

## در سوگ قربانیان «اصلاحات ساختاری»، «مقررات زدایی» و «مولدسازی» در طبس

هیئت تحریریه نشریه دانش و امید - مهرماه ۱۴۰۳ خورشیدی

در واپسین ساعات آخرین روز تابستان، طبقه کارگر ایران مجدداً طعم تلخ و گزنده «اصلاحات ساختاری»، «مقررات زدایی» و «مولدسازی» را چشید و هزینه گزافی را برای دستیابی به «مزایای» خصوصی سازی و بهره‌گیری از بازار آزاد پرداخت نمود: کارگران ایران برای دوازدهمین بار در شش ماه نخست سال ۱۴۰۳ و این بار در طبس، به چشم خویش دیدند که اجرای سیاست‌های نئولیبرالی چگونه موجب شد تا ده‌ها تن از هم‌زنجیرانشان در جستجوی نواله ناگزیر، در اعماق سیاهی مدفون شوند.

وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت «وفاق ملی»، با دلخراش و غم‌انگیز توصیف کردن این فاجعه به خانواده‌های قربانیان و «ملت شریف ایران» تسلیت گفت و اما برخلاف ۲۸ شهریورماه که نشست را با نمایندگان اتاق بازرگانی تهران برگزار نموده بود، این بار فرصتی نیافت تا نمایندگان کارگران ایران را برای برگزاری جلسه‌ای مشترک فراخواند و تنها برای بررسی حادثه به سفر به منطقه بسنده کرد؛ البته چندان هم نباید بی‌انصاف بود: اصولاً طبقه کارگر ایران برخلاف «کارآفرینان» از تشکیلات مشابه اتاق‌های بازرگانی و اصناف بی‌بهره است و بنابراین شاید جناب وزیر نمی‌دانست که برای بررسی مسائل و مشکلات کارگران، باید با چه کسی نشست مشترک برگزار کند!

به گزارش سایت تابناک، احمد میدری، وزیر کار نیز بلافاصله پس از بروز این حادثه با قاطعیتی مثال‌زدنی و پیش از آن که هیچ هیئت کارشناسی‌ای فرصت بررسی ابعاد، زمینه‌ها و علل این فاجعه را داشته باشد، اعلام کرد که «تخلفی صورت نگرفته و این رویداد واقعاً یک حادثه بوده است ... مستمری حادثه دیدگان انفجار معدن نحوی طبس به سرعت و کامل پرداخت می‌شود». البته احتمالاً ایشان از این موضوع مطلع نبوده‌اند که در هشتم شهریورماه یعنی کم‌تر از یک ماه پیش نیز در همین معدن مشکل نشت گاز متان وجود داشته است و طبیعتاً حتماً جناب وزیر از گزارش ایلنا به نقل از رحیمیان، دبیر اجرایی خانه کارگر طبس در این زمینه هم بی‌خبر بوده‌اند که شرح حادثه را چنین بیان کرده بود:

«شرکت معدن‌نحو یک شرکت خصوصی ست در منطقه معدنی پروده طبس. این معدن سه بلوک A، B و C دارد. در بلوک C کارگاهی برای استخراج ذغال سنگ است که این حادثه آنجا اتفاق افتاده اما چون تهویه این قسمت از بلوک B خارج می‌شده، کارگران بلوک B هم درگیر گاز متان و خفگی شده‌اند. علت حادثه خروج گاز متان و به دنبال آن

مونوکسید کربن بوده. بازه مجاز گاز متان در معادن ذغال سنگ ۰/۰۴ است، اما دیشب بعد از حادثه در معدن معدنحو این گاز روی عدد ۵ بود. برای مونوکسید کربن هم رنج مجاز ۳۵ PPM است، اما دیشب عدد این گاز هم ۱۵۰۰ بوده. گاز اینقدر زیاد بوده که گاز سنج‌ها هنگ کردند!

کارگاه محل حادثه جدید بوده؛ اما گویا سیستم تخلیه گاز نداشته؛ کارگران ساعت ۶ عصر کار خود را آغاز کرده‌اند. اما یک ساعت و نیم [مانده] به پایان استخراج حادثه اتفاق می‌افتد؛ کارگران بلوک C فوراً جان خود را از دست می‌دهند چون بچه‌های امداد که برای بررسی این بلوک رفته بودند، گاز زیاد بوده و اصلاً نتوانستند تحمل کنند؛ برگشتند و تهویه را درست کردند. البته چهار جسد را به چشم دیده بودند اما نتوانستند آنها را خارج کنند.

احتمالاً این اتفاق سه تا کارگاه شامل حدود ۶۰ کارگر را درگیر کرده. در بلوک B که جسدها را خارج کرده‌اند تا الان حدود ۳۰ پیکر خارج شده؛ اما احتمالاً در بلوک C هم حداقل ۲۰ نفر یا بیشتر گرفتار شده‌اند که متأسفانه همه جان خود را از دست داده‌اند، بنابراین تلفات این حادثه بیش از این‌هاست؛ قطعاً فوتی‌ها از ۵۰ نفر هم بیشتر است... قطعاً اصول ایمنی رعایت نشده؛ اگر حدی از ایمنی رعایت می‌شد، این اتفاق نمی‌افتاد؛ تجهیزات ایمنی و معدنی از چراغ تونل گرفته تا تهویه، خارجی هستند و کارفرمایان خصوصی این تجهیزات را به‌روز نمی‌کنند؛ تجهیزات این معدن به احتمال قوی کهنه و فرسوده بوده‌اند. ضمن اینکه باید سیستم مانیتورینگ کامل در معادن برقرار باشد؛ نیروها را در حین کار مشاهده کنند و احتمال حادثه را دریابند. ذغال سنگ خطرآفرین است و ماهیت آن با خطر عجیب است، پس مراقبت و هوشیاری می‌خواهد؛ در رعایت ایمنی معدنحو، کوتاهی شده، عدم به‌روزرسانی تجهیزات، خطای مدیریتی و خطای مسئولیتی دست به دست هم داده تا حداقل ۵۰ خانوار مصیبت‌زده و عزادار شوند. علاوه بر این‌ها، بازرسی کار هم ایراد اساسی داشته است...».

روزنامه دنیای اقتصاد دو روز پس از حادثه با تهیه گزارشی در این زمینه نوشت: «هنوز به صورت رسمی اعلام نشده که این جوانان قربانی چه اتفاقی شده‌اند، اما آنچه مشخص است، ساعت ۲۱ شنبه شب ۳۱ شهریور با انفجاری در اعماق زمین گازهای سمی در تنگنای سه تونل اصلی پخش شده‌اند...» طبیعتاً این روزنامه صلاح ندانست تا به خصوصی بودن این معدن اشاره کرده و خوانندگان را با جنبه‌های دیگری از «کارآمدی» بخش خصوصی آشنا نماید.

اگرچه این نوع رفتار از سوی هواداران و پیش‌برندگان پروژه نئولیبرال پدیده‌ای تازه نیست و به یاد داریم که رئیس دولت اعتدال پس از وقوع زلزله و فروریختن تعدادی از ساختمان‌های مسکن مهر با لبخندی ملیح در مقابل این ساختمان‌ها اعلام کردند که «مردم بهتر از دولت ساختمان می‌سازند»، اما در زمان بروز فاجعه متروپل ترجیح دادند

تا به چنین موضوعی ورود نکنند، ولی دست‌کم از غنی‌نژاد و طبیبیان و نیلی و هواداران آزادسازی و خصوصی‌سازی انتظار می‌رفت تا با طرح مجدد دوگانهٔ «مجموع» «خصوصی» و «مهملاتی نظیر تقدم آزادسازی بر خصوصی‌سازی، باز هم برای ما از مزیت‌های بازار آزاد و برتری‌های بخش خصوصی سخن بگویند.

سخن ما به هیچ‌روی با دولت‌مردانی نیست که سال‌هاست اصل چهل و چهارم قانون اساسی را با درکی واژگونه تفسیر می‌کنند و به نص صریح آن مبنی بر لزوم مالکیت عمومی بر تمامی صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن توجه ندارند؛ سخن ما با کسانی نیست که در دفاع از «کارآفرینان» تن کارگران معترض طلای آق‌دره را به شلاق بستند؛ سخن ما با ناقضان حقوق مصرّح مردم در قانون اساسی، پایمال‌کنندگان حقوق زحمتکشان در قانون کار، «کارآفرینان محترم» و مشوّقان و محرکان و تئوری‌پردازان هوادارشان مانند غنی‌نژادها و طبیبیان‌ها و نیلی‌ها نیست، زیرا که اینان خود نه فقط مسئولیت اخلاقی در برابر نتایج تئوری‌ها، تصمیمات و عملکردشان دارند که قاعدتاً باید روزی در دادگاهی صالحه پاسخگوی فجایع رخ داده در کشور باشند؛ بنابراین سخن ما با طبقهٔ کارگر ایران است: ما، هیئت تحریریهٔ نشریهٔ دانش و امید، ضمن بیان تسلیت و ابراز همدردی و همبستگی با طبقهٔ کارگر ایران، مطابق نص صریح اصل چهل و چهارم قانون اساسی خواستار تغییر در مالکیت معادن، صنایع بزرگ، کارخانه‌ها و ... از خصوصی به مالکیت عمومی هستیم؛ ما از شما می‌خواهیم که به یاد بیاورید سخن امیل زولا در رمان ژرمینال را: «معدن مال معدنچیه، همون طور که دریا مال ماهیگیره و زمین مال دهقانه! می‌شنوین چی می‌گم؟ معدن مال شماست...»!